

روند مطالعات تاریخ باستان

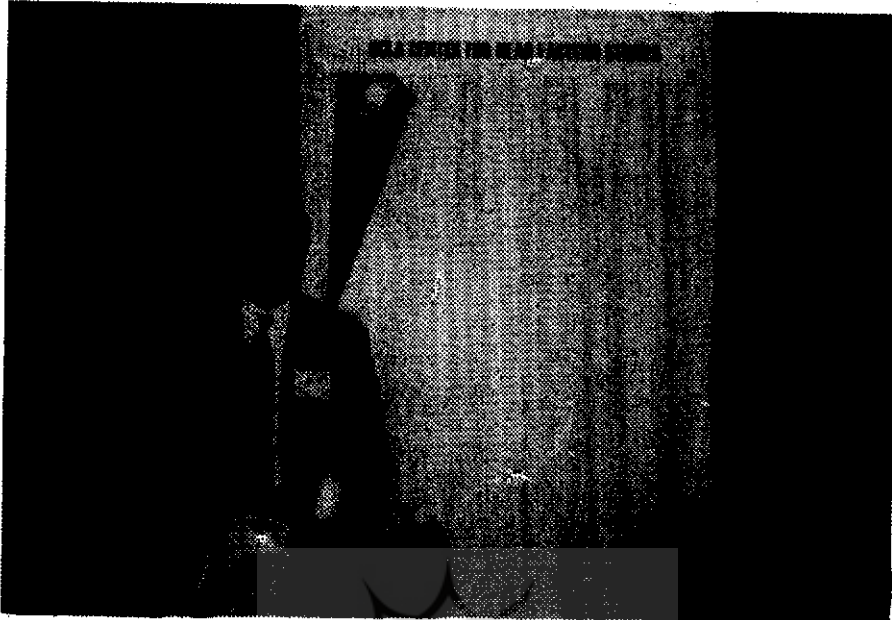
توج دریا

در اروپا و آمریکا

معمولاً در غرب زمانی که درباره تاریخ دنیای باستان صحبت می‌شود بیشتر منظور تاریخ روم و یونان می‌باشد زیرا که تاریخ ایران باستان جزو تاریخ بین‌النهرین و خاورمیانه خلاصه می‌شده و اگر کسی مایل به مطالعه در این حیطه باشد باید در رشته مطالعات خاورمیانه تحصیل کند و نه در حواشی تاریخ باستان. این روند در اروپا و بخصوص آمریکا تاریخ دیرینه‌ای دارد و بخاطر خود محوری اروپاییان تاریخ باستان اصولاً تاریخ دنیای مدیترانه می‌باشد.

این نمونه نگاه به تاریخ در کلاسهای تاریخ تمدن غرب (Western Civilization) در سال اول دانشگاههای آمریکا تا چندین سال پیش مشخص بود. اگر به کتابهای درسی این دوره نگاه کنیم، برای غربی‌ها تاریخ در بین‌النهرین با سومر و آکاد آغاز شده و به طور مفصل تاریخ یونان، روم و پس از آن مسیحیت تحت شعاع قرار گرفته. پس از نظر این کتب در حقیقت تمدنهای مدیترانه تمدنهای تکامل یافته اولیه شرق بودند و پایه گذار تمدن غرب.

در این نگاه تاریخی، هویت اروپائیان و آمریکائیان در شرق آغاز می‌شد یعنی در بین‌النهرین جدا می‌شده، تکامل یافته. در اینجا تاریخ مدیترانه الیوتی دارد که تاریخ دانان دنیای باستان شدیداً پایبند آن هستند. این شیفتگی با تاریخ یونان و روم از زمان رنسانس آغاز شد و بعد از قرن شانزدهم منظور از «باستان» یا «عتیق» Ancient/Antique دیگر منظور تاریخ دنیای کتاب مقدس



دکتر تورج دریایی - کنفرانس MESA در ماه نوامبر (فلوریدا)

مسیحیان نبود، بلکه دوره یونانیان و رومیان، زمانی که همه چیز به کمال رسیده بود. اکنون تاریخ باستان تاریخ این تمدنهای مدیترانه‌ای بود که زیبا و دور از دنیایی بود که در کتاب مقدس (دنیای خاورمیانه) بود که باید از آن تقلید می‌شد. در قرن شانزدهم نویسندگانی که نمونه بارز متفکران رنسانس است نوشت:

Quid est enim aliud omnis historia quam Romana laus?

«آیا تمام تاریخ چیزی جز ستایش روم است؟» این تفکر در بطن جامعه اروپایی جریان پیدا کرد و در دانشگاهها و به‌خصوص در مطالعات تاریخی مکان مهمی گرفت.

در این قرن با اینکه همه می‌دانستند که کتابهای تاریخ دانشگاهها با تاریخ باستان در بین‌النهرین آغاز می‌شود، باز هم این تاریخ را قسمتی از تاریخ تمدن غرب (Western Civilization) نام می‌نهادند. البته این نگاه خود محورکاری است که همه ملل قدیم جهان در آن مقصرند ولی نه به اندازه اروپائیان/آمریکائیه‌ها. این نوع نگاه برای مردم ملل دیگر مانند چین کاملاً عجیب می‌نمود چون تا آنجائی که اطلاع داریم تمدن چین هم‌زمان تمدن بین‌النهرین بود و همانقدر

1 - Petrarch, *Apologia cuiusdam anonymi Galli calumnias*, Opera omnia, Basel, 1554, p. 1187.

نقش مهمی در دنیا ایفا کرد. در دنیای باستان نیز این مورد کاملاً مشخص می‌باشد، مانند دولت سوی Sui یا تنگ Tang در چین سرزمین خود را قبل زمین می‌دانستند، فراعنه در مصر فقط خود را متمدن میدانستند و ایرانیان ایرانشهر را بهترین کشور از هفت کشور تصور می‌کردند که به باور آنها در میان جهان واقع شده بودند.

به دو دلیل در دهه گذشته این نگاه غلط اروپائیان و آمریکائیان نسبت به تاریخ باستان تغییر کرده. دلیل اول نزدیک شدن تمدن‌ها به یکدیگر و نفوذ ملت‌های آسیایی در این کشورها است که باعث کنجکاوئی بیشتر نسبت به تاریخ و سنن ملت‌های شرقی شده. ولی در دنیای آکادمیک این مسئله تغییری در «نگاه خاص» در بخش‌های تاریخ غرب نداده و «آریایی و یونانی» و تاریخ آن تمدنها تاریخ باستان را تحت شعاع قرار می‌داده.

در سال ۱۹۸۷ اولین جلد کتابی به چاپ رسید که دنیای مطالعات تاریخ باستان، بخصوص تاریخ یونان را تکان داد. کتاب «آتنای سیاه» Black Athena نوشته مارتن برنال Martin Bernal نگاهی متفاوت و جستجالی به تاریخ باستان بود.^۱ برنال که یک تاریخدان چینی مدزن می‌باشد و بخوبی این تعصب تاریخ دانان اروپایی را می‌شناخت در مقدمه کتاب خود قول داده که در سه جلد کتابی که تاکنون دو جلد آن بچاپ رسیده ثابت کند که تا چه اندازه تمدن مشرق زمین، بخصوص خاورمیانه در شکل‌گیری فرهنگ یونان نقش داشته. برنال دلیل انکار نفوذ تمدن‌های شرقی را در تمدن یونان بدلیل نوع تاریخ نگاری دوران باستان می‌داند. او نام این تاریخ نگاری را مدل یا نمونه «آریایی» می‌نامد. بنظر او این تاریخ نگاری که ساخته و پرداخته تاریخ نگاران اروپایی نژاد پرست و عاشق تاریخ یونان باستان بوده نگاهی رمانتیک به این تمدن داشته. بهمین دلیل نفوذ فرهنگ‌های سامی و شرقی را به هر گونه نفی کرده‌اند و تمدن یونان را خالص از هر نوع نفوذ خارجی دانسته‌اند.

در مقابل این «دید آریایی»^۲ برنال مدل تاریخ‌نگاری «باستانی»^۳ را پیشنهاد می‌کند. این مدل تکیه بر برخورد تمدن‌های باستانی و رد و بدل مذاهب و عقاید مردمان مختلف می‌باشد که خالص و برتر بودن هر تمدن را انکار می‌کند. برنال قول داده که در جلد سوم کتاب خود نفوذ زبان‌های شرقی را نیز در زبان و تمدن یونان نشان دهد که باید به انتظار آن بود. تاکنون دو کتاب

1 - Martin Bernal, Black Athena: The Afroasiatic Roots of Classical Civilization Rutgers University Press, N. J., 1987.

2 - Aryan Model

3 - Ancient Model

Black Athena

The Afroasiatic Roots
of Classical Civilization

VOLUME 1
The Fabrication of Ancient Greece 1785-1985

Martin Bernal


Rutgers University Press
New Brunswick, New Jersey

THE ORIENTALIZING REVOLUTION

IN THE EARLY
ARCHAIC AGE

WALTER BURKERT

TRANSLATED BY MARGARET E. PINDER & WALTER BURKERT

توسط تاریخ‌دانان یونان یا کلاسیسیست‌ها و دهها مقاله در مجله‌های اروپایی و آمریکایی بر علیه برنال نوشته شده که بعضی از آنها پرخاش‌کننده و بعضی سازنده و مهم می‌باشند و تاکنون چندین کنفرانس و جلسه درباره کتاب آتنای سیاه ترتیب داده شده.^۱

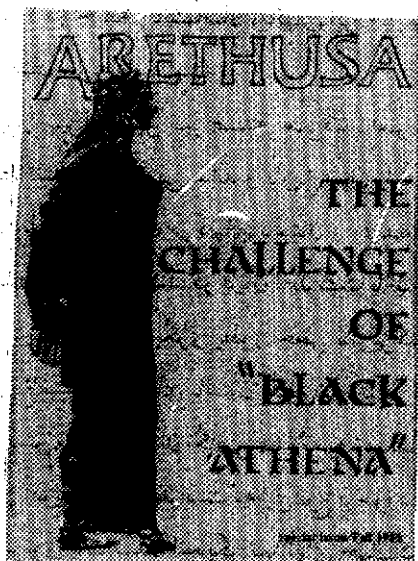
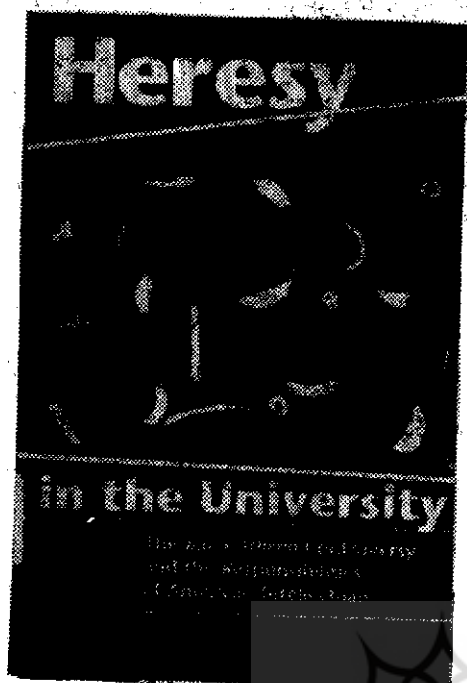
البته باید گفت که مدتهاست که مردم آسیا بر این نکته که برنال درباره آن نوشته قلم زده‌اند ولی توجه‌ایی به آنها نشده بود. این بیشتر بخاطر چاپ این مقالات به زبانهای آسیایی و یا در مجله‌های شرق‌شناسی بوده که تاریخ‌دانان یونان و روم چندان توجهی به آن نمی‌کردند. همچنین باید گفت که والتر برکرت Walter Burkert تاریخ‌دان بزرگ اروپایی کتاب بسیار عالی و جامعی درباره نفوذ فرهنگ مشرق زمین در فرهنگ یونان نوشته بود که چنین توجهی به آن نشده بود^۲،

1 - The Challenge of "Black Athena," John Hopkins University Press, MD, 1992.

و همینطور

Jacques Berlinerblau, Heresy in the University: The Black Athena Contraversy and the Responsibility of American Intellectuals, Rutgers University Press, 1999.

2 - Walter Burkert, The Orientalizing Revolution, Near Eastern Influence on Greek Culture in the Early Archaic Age, Cambridge University Press, 1992.



در صورتی که کتاب برنال که نقایص مهمی نیز در بر دارد بازتاب عجیبی در دنیا داشت. باید اول یادآوری کرد که برنال تاریخدان معاصر چین می باشد و اطلاعات او درباره دنیای باستان آنچنان وسیع نیست. دوم اینکه برنال هنوز مدارک زبانشناسی که قول داده بود منتشر کند انتشار نداده و تاکنون مدارک او بسیار جنجالی و مردود شمرده شده. با این همه کتاب او دنیای مطالعات تاریخ باستان را تکان داده و نگاه همه را نسبت به این دوره تا حدودی تغییر داده.

مسئله برتری یک تمدن و بخصوص برتری تمدن یونان از نظر اروپاییان و آمریکاییان دیگر کم کم بکنار گذاشته شده و تقریباً نگاهی متعادل به همه تمدنهای باستانی شده. این مسئله بر مطالعات ایران باستان در اروپا و آمریکا نیز اثر گذاشته. در دو دهه گذشته مطالعات ایران باستان به دلائلی مختلف رو به رکود بوده. گرفتن کرسی تاریخ باستان در خارج مستلزم این بود که دکترا در تاریخ یونان یا روم اخذ می شد و یونان و لاتین زبانهای مهمی بود که باید حتماً مطالعه می شد. اکنون با دگرگونی در نگاه به اهمیت تاریخ دنیای باستان مطالعه تاریخ ایران باستان نیز رو به رونق گرفته و کم کم اساتیدی که درباره ایران باستان مطالعه می کنند نیز خواهند توانست در این رشته کار و تحقیق کنند. در دهه گذشته تاریخ تمدن جهان (World Civilization) جایگزین کلاسهای تاریخ تمدن غرب شده و اکنون همه تاریخ مردمان جهان و اهمیت آنها مورد مطالعه قرار می گیرد و تاریخ غرب قسمتی از تاریخ دنیای باستان جا داده می شود نه مهمترین آن یا

نمونه تکامل یافته آن. آیا برخورد با تاریخ باستان با این روند اثر دیگری نیز در مورد مطالعه تاریخ ایران نیز گذاشته؟ در گذشته تاریخ ایران باستان در حیطه زیان‌شناسان زبانهای ایران باستان بود و تعداد معدودی «تاریخدان» با تمدن ایران باستان سر و کار داشت.

این موضوع برای تاریخ سومر و دیگر تمدنهای بین‌النهرین نیز صدق می‌کند. امروزه تاریخدان لازم است که پیش از هر چیز روابط تمدنها را بخوبی بداند و تاریخ ایران را نه به عنوان یک تاریخ مجزا و استثنایی از دیگر تمدنها بلکه بکاربرد آن در دنیای باستان و روندهای تاریخی آنرا مطالعه نماید و نقش آنرا در تکامل تمدن جهان بخیر یا کند. در پایان باید گفت با اینکه برنال قصد اینرا نداشت که به تاریخ ایران یا تمدنهای بخصوص دیگری بطور اخص تمرکز کند، کار او باعث این شده که پس از یک دهه نگاه به تاریخ تمدنهای باستان تغییر کند. شاید نیز بتوان گفت که کار برنال جزو روندی بود که دودهم پیش آغاز شد و آن نگاهی عادلانه به تمدنهای جهان و بکنار گذاشتن تعصب‌های دیرینه در اروپا و آمریکا بود. امید است که این نوع برخورد در کشور ایران نیز بوجود آید و باورهای غلط درباره برتری یک تمدن از دیگر تمدنهای جهان کنار گذاشته شود و در عوض روابط و تبادل افکار بین مردم ایران و تمدنهای همجوار و باستانی بیشتر مطرح شود.

این متن سخنرانی است که در دفتر نشر تاریخ در تابستان ۱۳۷۸ انجام شد

روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

منتشر شد: **تال جامع علوم انسانی**

یادی از دکتر رضا رادمنش
(دبیر کل اسبق حزب توده)

نوشته:

دکتر هوشنگ منتصری

نشر شیرازه